



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فلسفہ
پرتال جامع علوم انسانی

سوسیتی



تکوین مقام‌های غربی در دوران باستان

دکتر مصطفی کمال پورتراب



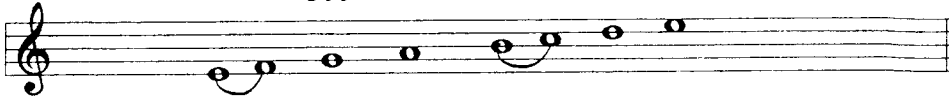
هنر موسیقی، به‌طور کلی، بر مبنای تعدادی از صداها که دارای زیر و بمی (pitch)‌ها و دیرند (duration)‌های گوناگون هستند، بنا می‌شود؛ و هر آهنگ (tune) از دانگ (tetrachord) «یا گام» (scale) معینی به وجود آمده است. به عبارت دیگر، اگر صداهای مختلف هر آهنگ یا ملودی (melody)، به ترتیب زیر و بمی (زیرایی) بنا بر رعایت فواصل تعیین شده در کنار یکدیگر قرار گیرند، «گام» معینی حاصل می‌شود. در واقع گام یا نردبان صوتی (tone ladder)، در موسیقی مغرب زمین، عبارت از صداها یا نت‌هایی است که با ترتیب معینی در زیر و بمی در میان فاصله اکتاو (octave) قرار دارند. اگر قسمتی از صداهای آهنگی را که از نت‌های نمونه یک تشکیل شده باشد؛ به ترتیب از شماره یک تا هشت، کنار یکدیگر قرار دهیم یک «گام» (scale) به دست می‌آید: که چون صداهای شروع و ختم آن، که مرکز نقل آهنگ به شمار می‌رود، نت «دو» است، این نُت «بن مایه» (tonic) نام دارد و آهنگ آن در «مایه»ی (tonality) «دو» می‌باشد؛ و چون فاصله بین صداهای درجه (degree)‌های سوم و چهارم (می - فا) و هفتم و هشتم (سی - دو) نیم پرده (half tone) و دیگر فاصله‌های مجاور، مانند دو - ر، ر - می، فا - سل، سل - لا، لا - سی، یک پرده (whole tone) هستند، مقام (modality) آن بزرگ (major) خواهد بود.

آهنگ در مایه دوی بزرگ

به این ترتیب آهنگ بالا در «مایه» دو (key of c) و «مقام بزرگ» (major mode) است. این مقام در میان مقام‌های کلیسایی (church modes) مقام یونانی (ionian) نامیده می‌شد و مقام‌های دیگر کلیسایی به ترتیب از درجات دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم این مقام شروع می‌شدند. در نتیجه، جای پرده‌ها و نیم پرده‌های آنها و همچنین حالات آنها عوض شده، نام‌هایی مانند دورین (Dorian) فریژین (phrygian) لیدین (lydian) میکسولیدین (mixo Lydian) ائولین (eolian) و لوکرین (Locrian) به خود می‌گرفتند؛ که اغلب آنها در دوران‌های ماقبل «کلاسیک» موارد استفاده فراوان داشتند، ولی علاوه بر آن که، از آن به بعد، نیز در کلیه کلیساهای کاتولیک کاربرد داشته و دارند، در دوران‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

به عنوان مثال «دوبوسی» مبتکر شیوه امپرسیونیسم در موسیقی، در یکی از آثار خود به نام فستیوال (fêtes) از مقام دورین و فرانس لیست در «راپسودی» (rhapsodie) شماره دو مجارستانی و «ریمسکی کرساکف» آهنگساز روسی در «شهرزاد» و یوهانس برامس آهنگساز آلمانی در موومان آهسته سمفونی چهارم خود، از مقام فریژین و پروکوفیف در موسیقی فیلم ستوان کیجه و بتهورون در یک کوارتت زهی و سیبلیوس آهنگساز فنلاندی در سمفونی چهارم و موسورگسکی در پرده سوم اپرای بوریس گدوفن از مقام لیدین و دوبوسی در پرلود (prelude) پیانوی خود به نام کلیسای مغروق (The engulfed cathedral) از مقام میکسولیدین استفاده کرده‌اند.

فریژین



لیدین



میکسولیدین



اٲولین



لوکرین

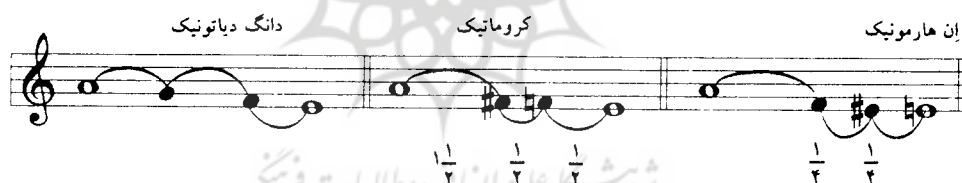


از مقام لوکرین به علت وجود صداهای فا و سی (که در موسیقی قدیم مغرب زمین) صداهای شیطانی (diabolic) نامیده می‌شدند و در نقاط مهم یعنی بن‌مایه (tonic) و نمایان (dominant) قرار دارند، چندان استقبالی به عمل نیامده است. مقام‌های باقی مانده عبارتند از: اٲولین و ایونین که از دوران کلاسیک به بعد به نام‌های مقام کوچک (mineur) و بزرگ (majeur) بسیار مورد استفاده بوده، به طوری که آثاری با عنوان موسیقی ٲنال از این دو مقام تصنیف شده است. این مقام‌ها در اصل، از موسیقی یونانی سرچشمه گرفته، و سرانجام در قرون وسطا به کلیسای کاتولیک رم راه پیدا کرده و با تغییراتی نام‌های خود را حفظ کرده است و به عنوان مصالح ساختمانی اصلی در بسیاری از آثار موسیقایی مورد استفاده قرار گرفته است. مقام «ایونین» یونانی یا همان مقام بزرگ (major) که حدود سه قرن، مفتخرانه به صورت پادشاه تمام مقام‌ها در آثار غربی به شمار می‌رود، دارای صفاتی مانند: باشکوه، قدرتمند، خشن، روشن، شاد و مردانه است؛ و مقام اٲولین یا کوچک (minor) با حالاتی مانند: نرم، روان، نیمه روشن، ظریف، ناشاد و زنانه، زینت‌بخش اکثر آثار موسیقی جهان بوده و هست. مقام دورین دارای حالتی نرم‌تر، نیمه تاریک، ناشادتر و زنانه‌تر از اٲولین و به اصطلاح مینورتر (sur mineur) است. مقام فریژین حالتی مرزی (plagal mineur) نسبت به اٲولین و دورین داشته و صفات نرمی و زنانه آن حد وسط بین آن دو دیگر است. مقام لیدین که درجه چهارم آن نسبت به «بن‌مایه» دارای فاصله «چهارم افزوده» است و این فاصله در موسیقی قدیم، فاصله شیطانی یا سه پرده‌ای (triton) نامیده می‌شده، قدری قدرتمندتر، جدی‌تر و مردانه‌تر و حتی خشن‌تر از مقام ایونین است و در نتیجه آن را ماژورتر (sur majeur) از مقام بزرگ

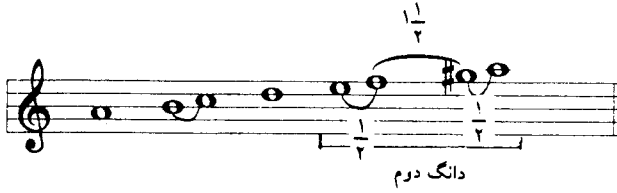
می‌دانند. مقام میکسولیدین حالتی مرزی (plagal majeur) میان مقام بزرگ و مقام اثولین دارد؛ به طوری که از نظر شکوه، خشونت، قدرت، روشنی، شادی و غیره به پای مقام بزرگ نمی‌رسد و دارای نرمی و روانی و صفات زنانه کمتری از اثولین می‌باشد. ایجاد حالات مزبور و مؤثر بودن آن در شنوندگان به خاطر وجود پرده‌ها و نیم‌پرده‌ها در نقاط مختلف این مقام‌ها و خاتمه این فواصل بر روی درجه‌های مختلف گام آنها بوده، که از زمان‌های بسیار قدیم میان مردم متمدن اروپا مانند یونان و نقاط مجاور آن: دوریه، فریگیه، لیدیه و غیره پایه‌گذاری شده است.

موسیقی در طول قرون متمادی، در زندگی مذهبی و اجتماعی یونانیان نقشی اساسی داشته، به طوری که علاوه بر جنبه‌های هنری، به عنوان عاملی برای تهذیب راه و روش اخلاقی (ethos) و برطرف کردن بیماری (pathos)‌ها به شمار می‌رفته و فلاسفه و قانون‌گزاران با این‌که موسیقی به صورت «یک صدایی» (monodic) به وسیله خوانندگان یا بر روی سازهای ابتدایی اجرا می‌شده، از تعلیم و کاربرد آن پشتیبانی می‌کردند. در آن زمان، چارچوب اصلی آهنگ‌ها «دانگ» (tetrachord) پایین رونده بود که از یک فاصله «چهارم درست» (perfect fourth) تشکیل می‌شد و برای اتصال صداها در آن نیاز به دو صدای دیگر بود که پله‌های آن را تشکیل می‌داد و بنابه دوری و نزدیکی، نسبت به دو صدای طرفین، دارای سه شکل مختلف: الف - دیاتونیک (diatonic): به صورت پرده - پرده - نیم پرده؛ ب - کروماتیک (chromatic): شامل یک و نیم پرده - نیم پرده - نیم پرده؛ ج - ان‌هارمونیک (enharmonic): به صورت دو پرده - ربع پرده - ربع پرده (مانند نمونه ۳) بود.

نمونه ۳



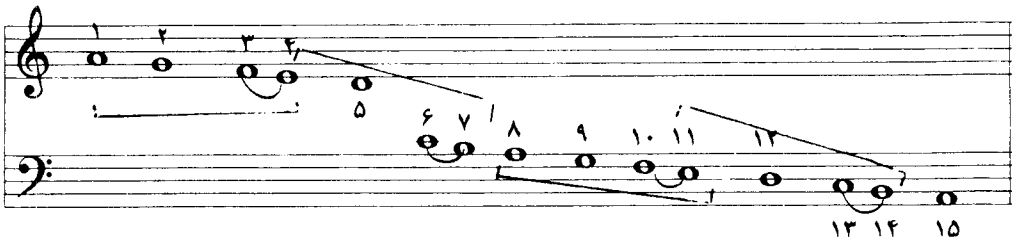
در نوع کروماتیک و ان‌هارمونیک، چون فاصله بین صداها: لا - فا و لا - فادی‌یز، از مجموع فاصله صداها دیگر بزرگ‌تر هستند و صداها دیگر گروه فشرده (Pycnon) را تشکیل می‌دهند، این گروه فشرده را دی‌یزیس (diesis) می‌نامیدند. در میان این سه نوع (genre) دانگ، صفات نوع دیاتونیک را شامل سادگی، آرامش و ثبات می‌دانستند. در ابتدا، فاصله‌های دانگ دیاتونیک، به وسیله «دیدیموس» یونانی (متولد ۶۵ قبل از میلاد) با نسبت‌های پرده‌های ۹/۸ معادل ۴۶ واحد (ساوار) و پرده ۹/۸ معادل ۵۱ واحد (ساوار) و نیم پرده ۶/۵ معادل ۲۸ واحد (ساوار) معرفی شده بود که در قرن دوم میلادی بطلمیوس جای پرده‌ها را با هم عوض کرد و در قرن دهم میلادی، «فارابی» فاصله‌های این دانگ را معکوس نموده و آن را به صورت بالا رونده به کار برد این نوع دانگ، یعنی دیاتونیک، همان است که پایه و اساس گام‌های بزرگ در مغرب زمین گردید و نوع کروماتیک، با تغییر صدای فادی‌یز به سل بممل و معکوس کردن فواصل آن، دانگ دوم گامی به شمار می‌رود که در مغرب زمین آن را گام کوچک هارمونیک (harmonic) می‌نامند.



کاربرد تغییر یافته گروه فشرده در دانگ این هارمونیک که دارای فاصله‌هایی حدود ربع پرده است، در موسیقی ایران و هند، و قسمت دو پرده‌ای آن در گام پنج درجه‌ای دارای نیم پرده (pentatonic hemitonic) در موسیقی ژاپنی و فاصله یک و نیم پرده‌ای موجود در دانگ کروماتیک در گام پنج درجه‌ای بدون نیم پرده (pentatonic unhemitonic) در موسیقی چینی از زمان‌های قدیم رواج داشته است.



ظاهراً به نظر می‌رسد که این گام‌ها به اصطلاح، گام‌های ناقص (defective) هستند، در حالی که در دومی، درجه‌های چهارم و هفتم، یعنی فا و سی، که صداهای شیطانی به حساب می‌آمدند و در اولی نیز همین صداهای شیطانی که در مبنای نت «لا» صداهای «ر» و «سل دی‌یز» هستند، حذف شده‌اند و در نتیجه در این موسیقی فقط همین درجات کاربرد دارند. گام‌های یونانی از پیوند دو دانگ به هم پیوسته و یا دو دانگ منفصل که میان آن دو، یک فاصله یک پرده‌ای وجود داشت، تشکیل می‌شد که صداهای ابتدا و انتهای هر دانگ صداهای ثابت و غیر قابل تغییر، و دو صدای میانی هر دانگ که با تغییر دادن آنها، انواع دیاتونیک، کروماتیک و این هارمونیک به وجود می‌آمد، صداهای متغیر نامیده می‌شدند. دانگ‌های متصل از نوع هلنی (hellenic)، منطقه‌ای در شمال غربی یونان، و دانگ‌های منفصل، مربوط به «دوریدها» اهالی شبه جزیره‌ای کوچک در جنوب غربی آسیای صغیر، بود و مجموعه صداهایی که به صورت «سیستم کامل موسیقی» (Greater Perfect System) در یونان به وجود آمد و شامل کلیه دانگ‌های متصل و منفصل بود، در محدوده دو فاصله اکتاوا قرار داشتند:



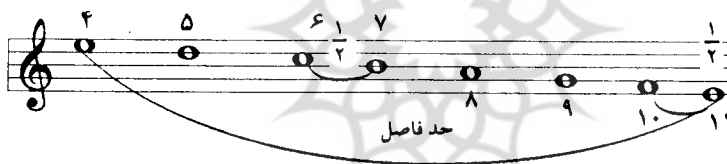
به طوری که ملاحظه می‌شود، دانگ‌های لا - سل - فا - می، و می - ر - دو - سی، علاوه بر آن که هر یک به ترتیب از: پرده - پرده - نیم‌پرده تشکیل شده‌اند، و نیم‌پرده‌های آنها، در آخر دو دانگ است، دو دانگ به هم پیوسته به شمار می‌روند. دانگ‌های سوم و چهارم نت‌های: لا - سل - فا - می و می - ر - دو - سی نیز دارای همین صفات هستند؛ ولی دانگ‌های متشکل از شماره‌های ۴ - ۵ - ۶ - ۷ و ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱، که آنها نیز به ترتیب از پرده - پرده - نیم‌پرده تشکیل شده‌اند، دانگ‌های به هم پیوسته منفصل به شمار می‌روند؛ که یک فاصله یک پرده‌ای (حد فاصل) بین نت‌های سی - لا، آن دو دانگ را از هم جدا کرده است. به این ترتیب هر یک از مقام‌های مربوط به دانگ‌های متصل، از هفت نت: لا - سل - فا - می - ر - دو - سی و مقام‌های مربوط به دانگ‌های منفصل، از هشت نت: می - ر - دو - سی - لا - سل - فا - می تشکیل شده‌اند.

نمونه ۷

مقام مربوط به دانگ‌های متصل متشکل از هفت نت



مقام مربوط به دانگ‌های منفصل متشکل از هشت نت



در این سیستم، نام درجات به ترتیب از شماره یک تا پانزده به این ترتیب است:

- ۱ - زیرترین زیرها (Nete hyperbolaeon)،
- ۲ - متوسط زیرها (Paranete hyperbo...)
- ۳ - بم‌ترین زیرها (trite hyperbo...)
- ۴ - زیر منفصل (Nete diezeugmenon)،
- ۵ - متوسط منفصل (Paranete diezeug...)
- ۶ - بم منفصل (trite diezeug...)
- ۷ - منفصل میانی (Paramese)،
- ۸ - وسطا یا میانی (mese)،
- ۹ - زیر وسطا (lichanos meson)،
- ۱۰ - متوسط وسطا (parhybate meson)،
- ۱۱ - بم وسطا (hypate meson)،
- ۱۲ - زیر اصلی (lichanos hypaton)،

۱۳ - متوسط اصلی (parhypate hypaton)،

۱۴ - بم اصلی (hypate hypaton)،

۱۵ - بم‌ترین صدا (Proslambanomenos)

و دانگ‌های چهارگانه، به ترتیب از بالا به پایین عبارتند از: دانگ زیر (Tetrachord hyperbolaeon)، دانگ منفصل (Tetrachord diezeugmenon)، دانگ متوسط (Tetrachord meson) و دانگ بم (Tetrachord hypaton). مقام‌های یونانی برگرفته از دو دانگ منفصل عبارتند از: دورین، فریزین، لیدین میکسو لیدین که اولی از صدای «می»، دومی از صدای «ر»، سومی از صدای «دو» و چهارمی از صدای «سی» شروع می‌شوند و هر یک دارای هشت درجه هستند که نام نت شروع و خاتمه (تونیک) آنها یکی است.

نمونه ۸

The image displays four musical staves, each representing a different tetrachord. Each staff shows a sequence of notes on a five-line staff. The first staff is labeled 'دورین' (Dorian) and 'حد فاصل' (Interval). The second is 'فریزین' (Phrygian) and 'حد فاصل'. The third is 'لیدین' (Lydian) and 'حد فاصل'. The fourth is 'میکسو لیدین' (Mixolydian) and 'حد فاصل'. A watermark of a geometric pattern is visible in the background.

این مقام‌ها در مقابل خود مقام‌هایی را دارند که چون دارای دانگ‌های متصل هستند و هفت درجه بیشتر ندارند، به ناچار یک درجه همنام با صدای بالایی (در پایین) و یا یک درجه همنام با صدای پایینی (در بالا) به آنها اضافه شده است. در نتیجه این امر، مقام‌هایی که یک صدا به پایین آنها اضافه شده (تا به فاصله اکتاو و برسند) پیشوند هیپو (Hypo) و آنها که یک صدا به بالای آنها اضافه شده، پیشوند هیپر (Hyper) به خود گرفته‌اند. مقام‌های دارای پیشوند هیپو، یک فاصله چهارم بالاتر و مقام‌های دارای پیشوند هیپر یک فاصله پنجم بالاتر از مقام‌های دارای دو دانگ منفصل شروع می‌شوند. به عبارت دیگر در مقام‌های دارای پیشوند هیپو، صدای پایه دانگ بالایی، با تونیک مقامی که نام خود را از آن می‌گیرد و

در مقام‌های دارای پیشوند هیبر صدای بالایی دانگ پایینی، با تونیک مقامی که نام خود را از آن می‌گیرد یکی است.

نمونه ۹

هیبر دورین

صداهای اضافه شده به پایین

پایه دانگ بالایی

هیبر فریزین

هیبر لیدین

پایه دانگ بالایی

هیبر میکسو لیدین

پایه دانگ بالایی

هیبر دورین

صداهای اضافه شده به بالا

هیبر فریزین

هیبر لیدین

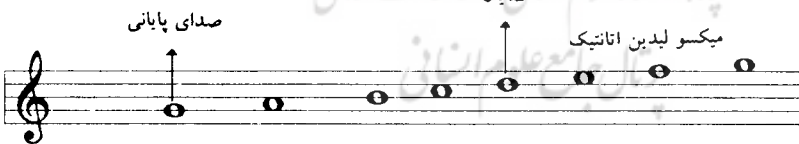
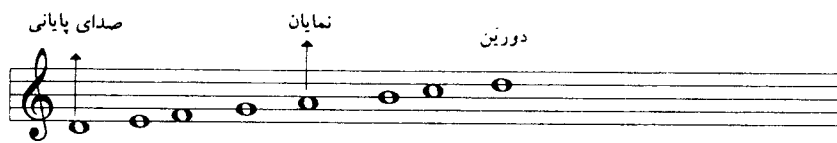
هیبر میکسو لیدین

«مقام‌های کلیسایی رُم» - در هشت قرن اول میلادی، آوازهای کلیسایی در رُم (ایتالیای امروزی) عموماً یک صدایی بودند.

در قرن چهارم میلادی «آمبرویز» (Ambroise) اسقف بزرگ شهر میلان، چهار مقام از مقام‌های یونانی را با صورتی دیگر با مقام‌های لاتین درهم آمیخت که آنها را مقام‌های اصلی (Authentic) می‌نامند. این اسقف سرودهای مذهبی متعددی را بر مبنای مقامات اصلی و به شیوه عامیانه تصنیف کرد که موفقیت‌های فوق‌العاده‌ای کسب کردند و عده زیادی از مردم را به کلیسا کشاندند. این مقام‌های چهارگانه عبارتند از: دورین - فریژین - لیدین - میکسو لیدین که به هیچ‌وجه با مقام‌های یونانی شباهت ندارند.

نمونه ۱۰

مقام‌های اصلی (اتانتیک)



در مقام‌های اصلی (أتانتیک) درجه اول، درجه پایانی (فینال) و درجه پنجم نمایان است؛ به استثنای مقام فریژین که به خاطر برخورد درجه پنجم با نت «سی» (که از صداهای شیطانی است) درجه ششم نمایان است. در قرن ششم «پاپ گرگوار کبیر» چهار مقام دیگر به آنها افزود که آنها را مقام‌های پلاگال (plagal) گویند. این مقام‌ها عبارتند از: هیپودورین، هیپو فریژین، هیپو لیدین و هیپو میکسو لیدین:

مقام‌های پلاگال صدای پایانی نمایان هیپو دورین

صدای پایانی نمایان هیپو فریژین

صدای پایانی نمایان هیپو لیدین

صدای پایانی نمایان هیپو میکسولیدین

در مقام‌های پلاگال، نت پایانی روی درجه چهارم (نت پایانی اتانتیک مربوط به آن) و نمایان، روی درجه ششم است. به استثنای هیپوفرژیژین که به خاطر برخورد صدای «سی» با صدای اول مقام، (که از صداهاى شیطانی است)، درجه هفتم، نمایان به شمار می‌رود، و مقام هیپومیکسولیدین که به خاطر برخورد با درجه ششم (نت سی)، که آن هم از صداهاى شیطانی است، درجه هفتم، نمایان به شمار می‌رود. پس از مدتی شش مقام دیگر به مقامات اتانتیک و پلاگال اضافه شد. ولی چون دو مقام از آنها قابلیت لازم را نداشت، چهار مقام ائولین اتانتیک و ایونین اتانتیک و پلاگال‌های آن دو: هیپو ائولین پلاگال و هیپو ایونین پلاگال به هشت مقام قبلی پیوست.

نمونه ۱۲

تونیک نمایان ائولین اتانتیک

صدای پایانی نمایان هیپو ائولین پلاگال



در بررسی و مقایسه مقامات دوازده گانه، ممکن است شباهت‌هایی ظاهری در میان آنها مشاهده شود، که ناشی از عدم توجه به نقاط عطف یا صداهای برجسته آنها است. به عنوان مثال، نت‌های مقام دورین اتانتیک و هیپو میکسولیدین پلاگال، مانند یکدیگر است؛ ولی چنانچه به نقاط عطف آنها توجه شود، تفاوت‌هایی مؤثر میان آنها مشخص می‌شود: ۱- در اولی صدای «ر» به عنوان صدای پایانی (فینال) به کار می‌رود، در صورتی که این صدا در دومی نقش مهمی ندارد و در این مقام نُت «سل» صدای پایانی به شمار می‌رود. ۲- در مقام دورین اتانتیک صدای «لا» به عنوان نمایان معرفی شده، در صورتی که در هیپو میکسولیدین، صدای «دو» این نقش را به عهده دارد. این شباهت‌ها بین مقام فریزین اتانتیک با هیپو اولین پلاگال و بین میکسولیدین اتانتیک با هیپو ایونین پلاگال و بین اولین اتانتیک با هیپو دورین پلاگال و بین ایونین اتانتیک با هیپولیدین پلاگال مشاهده می‌شود که با کمی دقت تفاوت میان آنها مشخص خواهد شد.

با توجه به این که موسیقی‌های ابتدایی (Primitive)، در واقع قلب و به عبارتی آغاز تمام موسیقی‌ها به شمار می‌روند و کلیه آثار برجسته موسیقی جهان به نحوی در بطن خود آثاری از این موسیقی را دارند، که بیانگر وضع جغرافیایی، طبیعت، خلق و خو، طرز کار، نحوه تفکر و مکالمه، سنن و آداب و رسوم مردمان یک ملت یا نژاد معینی است، و از طرف دیگر، مصالح ساختمانی موسیقی‌های ابتدایی را صداها، دانگ‌ها، گام‌ها و مقام‌های آن ملت می‌سازد، می‌توان به اهمیت این عوامل و نقاط عطف مخصوص به خود آنها پی برد. ضمناً آثار و حالات مختلفی را که این مقام‌ها، با توجه به قرار گرفتن صداهاشان در موسیقی دارند و وجود فاصله‌های پرده، نیم‌پرده در نقاط گوناگون، و اختلاط و ترکیب آن فاصله‌ها به صورت یک و نیم، دو، دو و نیم، سه و نیم، چهار و نیم پرده (که به ترتیب فاصله‌های سوم کوچک، سوم بزرگ، چهارم درست، پنجم درست، ششم بزرگ نام دارند) و غیره، و کاربرد آن فواصل با توجه به نقاط عطف آنها در شنونده به وجود می‌آورند همگی دال بر ظرافت، عظمت و اهمیت آنها است. به خاطر تمام این ویژگی‌ها می‌توان گفت که تشخیص و تحلیل و دریافت مقام‌های گوناگون از یکدیگر در آثار موسیقایی برای شنوندگان کار آسانی نیست و نیاز به تربیت دقیق شنوایی و شناخت ریزه‌کاری‌های موجود در آنها و شناخت نقاط عطف آن مقام‌ها دارد.